وزیر دفاع دولت یازدهم گفته: میرحسین موسوی در مواضع فرهنگی، سیاست خارجی و اقتصادی با آقا حتی این اواخر خیلی نزدیک بود. در بحث اقتصادی اختلاف اندکی داشتند.

او می خواهد بگوید نماینده همه نارضایتی های جامعه است؛



وزیر دفاع دولت یازدهم گفت:احمدی‌نژاد الان درب مسجد است. نه می‌شود کند و نه می‌شود سوزاند. در دوران حکومتش هم همین بود. یک مثالی می‌زدند و می‌گفتند احمدی نژاد یک گلوله آتش است در دست حاکمیت ولی او کار خودش را دارد انجام می‌دهد.

به گزارش اسپاداناخبر، سردار حسین دهقان درباره برخی خبرها مبنی بر تصمیمش برای نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری اواخر دوران وزارت گفت: در 96 هیچوقت اراده ای برای این کار نداشتم. برای 1400 بسته به زنده بودن دارد.

*{درباره خبر قرار گرفتن خود در جایگاه دبیری شورای عالی امنیت ملی به جای شمخانی}: این صددرصد جدی بود، آقای روحانی همواره دنبال این بودند که آقای شمخانی را جابه جا کنند.ولی من مایل نبودم به جای آقای شمخانی بروم.

*{در پاسخ به این سوال که روایت است شما حتی آقای موسوی را راضی کردید از موضعشان عقب نشینی کنند. حتی گویا قرار بود ایشان کارهایی بکند، نامه ای منتشر کند. یکدفعه اما همه چیز خراب شد. ممکن است در این مورد توضیح دهید؟}:ما رفاقت طولانی با آقای موسوی داشتیم، آن موقع با آقای حجازی و آقای اژه ای که وزیر اطلاعات بود صحبت کردم که اگر نظر بر این باشد که با ایشان صحبت کنیم، میتوانم با ایشان صحبت کنم؛ شاید بتوانم تاثیر بگذارم. من قبل از آن خطبه معروف حضرت آقا با آقای موسوی دو یا سه جلسه داشتیم. بحث مفصلی با ایشان کردم. گفتم شما وقتی الان بیایی بدون هر نوع دغدغه ای تمکین کنی و به خواسته مردم احترام بگذاری و به رسمیت بشناسی آن مجموعه های اجرایی که انتخابات را برگزار کردند، در این قالب میتوانی همواره مبارزه سیاسی کنی و میتوانی دوباره در صحنه باشی. این کار را نکنی خود به خود از صحنه حذف میشوی. بیا اعلام کن من آنچه که اعلام شده و مراجع رسمی و قانونی عمل کردند، میپذیرم. ولی نامه ای به رهبری بنویس و بگو. بگو این موارد یک، دو، سه را قبول دارم، اما نکته چهارم این است که من احساس میکنم حقوق من تضییع شده و من از شما اجازه میخواهم که مکلف کنید دستگاه قضایی که این موارد که من دارم را رسیدگی کند. این را بگو و جریان را خاتمه بده. ایشان در آن جلسه قانع شد و گفت من این کار را میکنم. ایشان گفت من آقای خامنه ای را به عنوان رهبر کشور قبول دارم و حتی اگر درست به خاطر داشته باشم، گفتند من مقلد ایشان هستم.

* من {در دولت خاتمی}بنیاد شهید بودم، دو هفته یک بار با احمدی نژاد در شهرداری برای مسائل ایثارگران جلسه داشتیم. آمریکا به عراق حمله کرده بود. ما با هم جلسه داشتیم؛ گفت آقای دهقان تو فکر میکنی چرا آمریکا آمده و عراق را گرفته؟ گفتم آقای دکتر شما تحلیلتان را بفرمایید. گفت آمریکاییها چون میدانند مقر حکومت امام زمان(عج) در بغداد خواهد بود، آمده اند آنجا را گرفته اند که مانع ظهور شوند.

*آقای موسوی یکی از اعضای مرکزیت حزب جمهوری اسلامی بود. آقای موسوی و خانم رهنورد روابط بسیار وسیعی با مرحوم آقای اردبیلی داشتند. قبل از انقلاب خانم رهنورد دو کتاب نوشت؛ من این کتابها را خواندم. کتابهای خوبی هم بود. بعد همین روزنامه جمهوری اسلامی ایران را که آقا مدیرمسئولش بود، موسوی سردبیرش بود. آقای موسوی در مواضع فرهنگی، سیاست خارجی و اقتصادی با آقا حتی این اواخر خیلی نزدیک بود. در بحث اقتصادی اختلاف اندکی داشتند. نمیدانم حالا اگر بعضی جاها هم آقای موسوی سر کار بود، باز اقتصاد دولتی را دنبال میکرد یا نمیکرد؛ من این را نمیدانم. جایی هم ما دیدگاهی از ایشان ندیدیم که بگوییم چگونه است. آنوقت آقای موسوی میشناخت آدمها را؛ آدم تیزهوشی بود. شاید بعضی وقتها

تیزهوشی آدمها دردسر برایشان ایجاد می کند. خودش احمدی نژاد را می شناخت.

*آقای احمدی نژاد الان درب مسجد است. نه میشود کند و نه میشود سوزاند. در دوران حکومتش هم همین بود. یک مثالی میزدند و میگفتند احمدی نژاد یک گلوله آتش است در دست حاکمیت. در این دست یک مقدار نگه میدارد و می اندازد در آن دست، از آن دست میاندازد در این دست، ولی او کار خودش را دارد انجام م یدهد.

*احمدی نژاد الان کاری که میکند این است؛ یک، میخواهد بگوید که در کشور ما تبعیض و ناروایی وجود دارد، منشأ این تبعیض و ناروایی را هم فعلا اساسش را گذاشته بر قوه قضائیه. دو، میخواهد بگوید مردم حرفهای ناگفته ای دارند که فضایی برای بیان اینها وجود ندارد و کسانی باید هزینه شکستن این سکوت یا آتش زیر خاکستر یا زیر پوست شهر را بپردازند. یک کسی باید نمایندگی کند و بگوید و آن کسی باید باشد که حاضر است خودش را فدای مردم کند و آن فدای مردم هم احمدی نژاد است. پس آقای احمدی نژاد کار دومی که میکند، این است که بیاید خودش را نماینده خاص حقیقی و واقعی مردم که شرایط اجازه بیان آنها را نمیدهد، کند. به عبارتی میخواهد بگوید من نماینده همه نارضایتی های انباشته شده جامعه هستم. برای اینکه هر جریان براندازی موفق شود، باید چهار تا ویژگی داشته باشد. اولی اش انباشت نارضایتی است، دومی اش سازمان است و سازماندهی، سومی اش ایدئولوژی است و چهارمی اش رهبری. آقای احمدی نژاد می گوید نارضایتی انباشته که وجود دارد، مردم را هم می شود در صحنه آورد و سازماندهی کرد، ایدئولوژی هم که بحث امام و انقلاب اسلامی است که این 17 سال و 20 سال از بین رفته، پس ایدئولوژی هم وجود دارد. دیگر چیزی که وجود ندارد؛ رهبری این جریان است که آن هم من هستم. میخواهد بیاید در این جایگاه بنشیند.

منبع/ هفته نامه مثلث

برچسب ها: میرحسین موسوی [1]
احمدی نژاد [2]